

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

^۱ سید خلیل حسینی

^۲ حبیب صبوری خسروشاهی

^۳ سعید معدنی

تاریخ وصول: ۱۳۹۹/۰۴/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۷

چکیده

در این پژوهش تلاش گردیده تا تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی بر مهاجرت نخبگان مورد ارزیابی قرار گیرد. مهاجرت نخبگان فرهنگی به کشورهای توسعه یافته همواره یکی از مسائل مورد توجه در جامعه بوده است. به طوری که در دهه‌های اخیر این پدیده در ایران تشدید شده است. با توجه به نقش نیروی انسانی متخصص و تحصیل کرده در توسعه و پیشرفت جامعه اهمیت آن بیش از پیش آشکار می‌شود. این پژوهش ابتدا، گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت را به کشورهای توسعه یافته مورد بررسی قرار داده و در مرحله بعد به عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر بر آن می‌پردازد و همچنین با استفاده از نظریه‌ها و رویکردهای متفاوت از جمله نظریه‌های جاذبه و دافعه، جهانی شدن، چرخش مغزها، نظریه مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی، به تبیین این پدیده پرداخته است. تأکید این پژوهش بر روی نظریه جاذبه و دافعه بوده است و نهایتاً چهارچوب نظری پژوهش در دو بعد عوامل اقتصادی و اجتماعی دیده شده است. روش تحقیق کمی با محوریت پیمایش اجتماعی بوده است. در این روش با انتخاب دانشگاه‌های دولتی و آزاد در سطح تهران و به صورت تصادفی با ۴۰۵ نفر با استفاده از پرسشنامه ساختارمند، متغیرهای تحقیق بررسی شده است. آزمون روایی و پایایی انجام شده مورد قبول بوده است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته در حد بالا وجود دارد و به ترتیب عوامل اجتماعی و سپس اقتصادی جامعه بسیار مؤثر بوده است. ضریب تعیین چند گانه نشان می‌دهد ۱۷ درصد علل مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه یافته از ترکیب این دو عامل تشکیل شده است.

واژگان کلیدی: گرایش به مهاجرت، عوامل اقتصادی و فرهنگی، نخبگان فرهنگی.

۱- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. HabibSabouri@hotmail.com

۳- گروه جامعه‌شناسی، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

مقدمه

از موانع توسعه در جوامع در حال رشد، مهاجرت نخبگان و متخصصان جوان به عنوان یکی از رویکردهای اساسی و پدیده بین‌المللی در جوامع امروزی مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. گرچه مسأله مهاجرت متخصصان علمی یک پدیده نوظهوری در جوامع امروز نمی‌باشد ولی به جهت ابعاد گسترده‌ای که در دهه‌های اخیر در روند توسعه به خود گرفته است از جنبه‌های مختلفی قابل کنکاش و مطالعه می‌باشد. به طوری که علیرغم فرار مغزها در دهه‌های اخیر و عصر توسعه نرم افزارها که میل به هماهنگی و همسویی و شکستن مرزهای بین‌المللی دارد و هر کس فراخور حال و شرایط خود می‌تواند در این توسعه جهانی سهمی داشته باشد و متناسب با اندیشه‌ها و استانداردهای فرهنگی خود با دنیای بیرون و جهان اندیشه‌ها ارتباط برقرار کند. قرار گرفتن برخی کشورها در مسیر توسعه زمینه‌ساز مهاجرت متخصصان را فراهم نموده است و عوامل کشتی «جاذبه‌های خارجی» و عوامل رانشی «دافعه‌های داخلی» زمینه‌ساز «فرار مغزها» را فراهم نموده است. مهاجرت سرمایه‌های انسانی از مسائل و دشواری‌های مهم کشورهای توسعه‌نیافته می‌باشد و در سال‌های اخیر خروج نخبگان تبدیل به بحران فرهنگی گردیده است. نخبگانی که می‌توانستند با توجه به ظرفیت بالقوه در خدمت ساختارهای مورد نیاز جوامع توسعه‌یافته و در حال توسعه شکوفا شده و مورد بهره‌برداری قرار گیرند.

منابع انسانی نخبه و کارآمد در عرصه‌های مختلف ملی، نقش حیاتی دارند و به همین دلیل، مدیریت مطلوب آنها بسیار مهم تلقی می‌شود و اهمیت این مسئله در فرآیند جریان بین‌المللی مهاجرت سرمایه انسانی، سرمایه‌های بیش‌تری را از دست داده و روند توسعه را کند می‌کند. روند روز افزون مهاجرت از جامعه ایران همواره در دهه‌های اخیر در معرض تحولات زیادی قرار گرفته است. یکی از مهم‌ترین تحولات، مهاجرت نخبگان یا فرار مغزها از کشور بوده است. نخبگان در عرصه‌های مختلف افرادی هستند که صاحبان فکر، شخصیت و توانایی‌های وسیع فکری و سازماندهی بالا می‌باشند و در این خصوص اندیشه، فکر، روش‌های بهینه‌تئوری، آینده‌نگری و دوراندیشی تولید می‌کنند. بر اساس گزارشات صندوق بین‌المللی پول، بیکاری، سطح پایین درآمد اساتید و نخبگان، نارسایی مالی و اداری، کمبود امکانات تخصصی علمی و بی‌ثباتی از جمله دلایل مهاجرت ایرانیان است، در دهه‌های گذشته آمار مهاجرت دانشجویان نخبه از کشور به شدت افزایش یافته است. تعداد مهاجران تحصیل کرده ایرانی هم مانند دیگر کشورها از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ افزایش زیادی داشته است. بنابراین آمار ۵۰ هزار نفری دانشجویان ایرانی محصل در خارج از کشور که بر اساس گزارش بنیاد ملی نخبگان از سال ۱۳۷۸ تا سال ۱۳۹۶ از کشور خارج شده‌اند قابل تأمل می‌باشد. به گفته دورکیم نوع پیوند فرد با جامعه می‌تواند سرمنشاء بروز بسیاری از آسیب‌های اجتماعی باشد. به نظر وی بهترین سازوکار کنترل اجتماعی در مقابل انحراف این است که ما با دیگران ارتباط داشته باشیم و پیوند بخوریم (Thio,

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته

158: 2013). در ایران پدیده مهاجرت نخبگان به کشورهای توسعه‌یافته، به‌عنوان یک آسیب اجتماعی مطرح می‌باشد که نخبگان را به سوی ارتقاء اجتماعی و اقتصادی می‌کشاند. آمار و ارقام‌های ارائه شده حاکی از اهمیت این پدیده است به‌طوری‌که توجه مسئولان را نیز به خود جذب کرده است. مهاجرت نخبگان ریشه در برخی از سازو کارهایی دارد. همواره جامعه ایران با فشارهای درونی و بیرونی مواجهه بوده است که این عوامل در حوزه‌های اقتصادی و اجتماعی بر مهاجرت نخبگان فرهنگی تأثیر به‌سزایی داشته است. این عوامل تأثیر گذار توجیه‌گر ضرورت و اهمیت مطالعه این پدیده می‌باشد.

این پژوهش تلاش کرده است به دو سوال محوری پاسخ دهد. اول اینکه گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه‌یافته چقدر است و در مرحله دوم عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر در مهاجرت چه می‌باشد. مطالعات فراوانی در ایران و جهان در خصوص عوامل مؤثر بر مهاجرت نخبگان فرهنگی و علمی انجام شده است که از جمله می‌توان به: کاظمی‌پور، ۱۳۹۸؛ مدرسی، ۱۳۹۳؛ صالحی، ۱۳۸۵؛ ارشاد، ۱۳۸۶؛ عسگری و همکاران، ۱۳۸۷؛ فرتوک‌زاده و اشراقی، ۱۳۸۷؛ طالبی زیدی و رضایی، ۱۳۸۹؛ حاتمی و همکاران، ۱۳۹۱؛ طایفی، ۱۳۸۰؛ مک اوسلند و کوهن، ۲۰۱۰؛ بنگ و میترا، ۲۰۱۱؛ بندیکت و اوکپیر، ۲۰۱۲؛ ریبارو و دیگران، ۲۰۱۳؛ لی و مون، ۲۰۱۳ و انگوما؛ ۲۰۱۳ ... اشاره کرد. این مطالعات عموماً دیدگاه خود نخبگان علمی در خصوص تمایل یا چرایی مهاجرت و علل و انگیزه‌های اجتماعی مؤثر بر گرایش به مهاجرت را مورد مطالعه قرار داده‌اند.

مهاجرت مقوله‌ای است که در بسیاری از دیدگاه‌ها و مکاتب مورد بحث قرار گرفته است. برخی از نظریه‌پردازان مهاجرت هم‌چون دهاس معتقدند بیش‌تر تئوری‌های مهاجرت بینش جامعی را در حوزه‌ی اثرات مهاجرت در توسعه، علی‌الخصوص اثر آن بر کشورهای درحال توسعه، ارائه نمی‌نمایند و تنها به ارائه اثرات ناهمگون و التقاطی بسنده می‌کنند. گروه‌هایی آن را پدیده مثبت و موثر در توسعه معرفی می‌نمایند، هم‌چون کارکردگرایان، توسعه‌گرایان، نئوکلاسیک‌ها و نظریه‌پردازان دیدگاه نوسازی. بسیاری از مکاتب و نظریه‌پردازان نیز آن را منفی بر می‌شمارند، از قبیل نئوکلاسیک‌ها، طرفداران مکتب وابستگی، تئوری سیستم‌های جهانی. به نحوی که مهاجرت به عنوان پای ثابت بسیاری از معضلات جامعه معرفی می‌گردد. در این قسمت به‌طور مختصر مهم‌ترین نظریات واری و ارائه شده است.

نظریه چرخش مغزها از جمله نظریاتی است که پدیده مهاجرت نخبگان را مورد توجه قرار داده است. این اصطلاح توسط افرادی چون جانسون ری گنز به کار برده شده است. اساس مفهوم چرخش مغزها، منشعب از دیدگاه طرفداران توسعه پایدار و فراگیری و پیوستگی بسترهای مستعد توسعه در تمامی جوامع بشری می‌باشد. به‌طور خلاصه این نظریه به حرکت و سیر نخبگان در نقاط مختلف تمدنی جهان، حرکتی طبیعی و ضروری برای توسعه اشاره داشته است، در واقع، فرد متخصص به خارج از کشور مهاجرت کرده، مطالعه و تحصیل

می‌کند، بر تجربه کاری خود می‌افزاید و در نهایت با اندوخته و اطلاعات بیش‌تری نسبت به قبل آن‌ها را در کشور خود به کار می‌بندد. و هر مکانی که زمینه مناسب‌تری را مهیا نماید، طبیعتاً جذابیت‌های بیش‌تری برای حضور نخبگان خواهد داشت (Leskrooff, 1996).

در کنار نظریه چرخش مغزها، نظریه جهان‌گرا یا بین‌المللی مهاجرت مطرح شده است. این الگو که به الگوی جهان‌گرا یا بین‌المللی معروف است و توسط جانسون مطرح گردید، فرار مغزها منعکس‌کننده عملکرد بازار بین‌المللی برای یکی از عوامل خاص تولید یعنی سرمایه انسانی است. در این الگو، سرمایه انسانی همانند سرمایه فیزیکی از مناطق یا مشاغلی که دارای بازده پائین‌تری است خارج شده و به قسمت مناطق یا مشاغلی که دارای بازدهی بیش‌تری است جریان می‌یابد. این الگو می‌گوید: انتقال تخصص دارای سود دوطرفه، هم برای کشور میزبان و هم برای کشور فرستنده است و می‌باید سیاست عدم مداخله دولت در کارکرد مهاجرت، یعنی سیاست عدم مداخله در مهاجرت دنبال شود (لهسائی‌زاده، ۱۳۸۶). طبق این نظریه مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی ماهر از دیدگاه بین‌المللی موجب افزایش منافع تولید جهانی خواهد شد. گرچه ممکن است مهاجرت بین‌المللی نیروی انسانی نخبه به زیان کشور مادر باشد ولی مهاجرت بین‌المللی نیروی متخصص موجب افزایش منافع جهانی خواهد شد.

از نگاه رویکرد نوگرایی پدیده مهاجرت نخبگان به گونه دیگر تفسیر و تحلیل شده است. نظریه نوگرایی با ترسیم تغییرات جهانی شدن و تعاملات فردی، و تحلیل انگیزه‌های مهاجران مسئولیت بیش‌تر را متوجه مهاجران نموده و این نخبگان با بهره‌مندی از سرمایه‌های فرهنگی و انسانی بالا و همسو با ارزش‌های رشد و رقابت‌جویی، تمایل به انتخاب و حفظ شیوه‌های ویژه برای زندگی دارند و تعلق به ارزش‌های جهان وطنانه می‌تواند توضیح دهنده انگیزه‌ها و کنش‌ها و فرآیندهای مهاجرتی نخبگان باشد (Payk, 2001).

از یک نگاه دیگر، پدیده مهاجرت را می‌توان در چارچوب فرآیند عدم تعادل بین نهادهای مختلف فرهنگی، آموزشی، اقتصادی نیز بررسی کرد. فرآیند مهاجرت نخبگان در طول زمان منجر به عدم تعادل ساختی در نظام آموزشی خواهد شد و این خود، سایر نهادهای اقتصادی و سیاسی را دچار عدم تعادل خواهد کرد. کشورهای جهان سوم و توسعه نیافته عمده‌ترین کشورهای برطرف‌کننده نیازهای اولیه کشورهای توسعه یافته‌اند. در واقع، نیروی کار کشورهای اقماری و توسعه نیافته در خدمت این کشورها قرار دارد. قشر تحصیل‌کرده و نخبگان جهان سوم پس از فراغت از تحصیل به دلیل عدم تناسب تحصیلات و دانش فنی آنان با وضعیت موجود در کشور تمایلی زیادی به مهاجرت پیدا می‌کنند. بدین‌سان، عدم تعادل ساختار نظام آموزشی جهان سوم، ناخواسته پدیده «فرار مغزها» را موجب می‌شود. از آنجایی که امکان و زمینه تحقیق و پژوهش در کشورهای توسعه یافته فراهم است، محققان و نخبگان سراسر دنیا را به خود جذب می‌کنند، زمینه توسعه و

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

پیشرفت پیش از پیش آنان را فراهم ساخته، شکاف و فاصله بین کشورهای توسعه یافته و توسعه نیافته را هر روز عمیق تر می سازند و موجب تشدید عدم تعادل در زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی در کشور مبدأ می شود. یکی از نظریه‌های دیگری که نگاه متفاوتی به مهاجرت داشته، نظریه وابستگی است. این نظریه که بر اساس نظریه‌های مارکسیستی پایه گذاری شده است، علت مهاجرت را به وابستگی گذشته آن‌ها و اثرات استعمار نسبت داده اند. والرشتاین پدیده مهاجرت را در سطح بین الملل بررسی کرده و معتقد است فرآیند جهانی شدن و افزایش تعاملات منجر به مهاجرت اقتصادی مهاجران از بخش‌های کم توسعه به مناطق پر رونق شده است. بر پایه این دیدگاه پدیده مهاجرت متخصصان به عنوان شکار مغزها یاد شده است. در این نظریه با تأکید بر شیوه‌های تولیدی و مسائل مربوط به توسعه نظام سرمایه داری و در اوج خود امپریالیسم، چگونگی و علل خروج متخصصان از کشورهای توسعه نیافته به کشورهای توسعه یافته بیان شده است. در این نظریه علت مهاجرت نخبگان به عوامل برون‌زا نسبت داده شده است (جعفری معطر، ۱۳۸۷).

بوریس و همکاران مدل فرهنگ پذیری تعاملی را مطرح کردند که یک چارچوب فراگیر و سودمندی را مد نظر قرار می دهد که بیش تر با عنوان نظریه فرهنگ پذیری تعاملی بوریس شناخته شده است. تأکید این مدل هم بر نقش انتظارات فرهنگ پذیری جامعه میزبان بوده و هم به جهت گیری‌های فرهنگ پذیری که توسط مهاجران اتخاذ می شود. بر اساس این مدل ممکن است اعضای جامعه میزبان پنج رویکرد فرهنگ پذیری را نسبت به مهاجران اعمال کنند: یکپارچگی، جداسازی، همانند گردی، حصر گرایی و فردگرایی. به عقیده بوریس، استراتژی یکپارچگی رویکردی انطباق پذیر است که شهروندان جامعه میزبان معتقدند مهاجران شایستگی این را دارند که به طور هم زمان، هم میراث فرهنگی خودشان را حفظ کنند و هم جنبه‌هایی از فرهنگ ملی جامعه مقصد را اتخاذ کنند. آن‌هایی که از این استراتژی حمایت می کنند، معتقدند که جامعه با یک تکامل تدریجی به سوی چند فرهنگی شدن به پیش می رود. (Oudenhoven, 2006). به اعتقاد بوریس فرآیند فرهنگ پذیری نباید تنها بر اساس تجربیات مهاجران مورد بررسی قرار گیرد بلکه ما باید تغییرات این فرآیند را در تعاملات و برخوردهای دوجانبه بین هر دو گروه در نظر بگیریم. هم چنین باید پیامدهای روابط بین گروهی و میان فردی را که حاصل امتزاج فرهنگ مهاجر و میزبان هر دو با یکدیگر است را نیز در نظر داشته باشیم، و بنابراین فرآیندها باید در یک زمینه بین فرهنگی در نظر گرفته شوند (Bourhis, 1997).

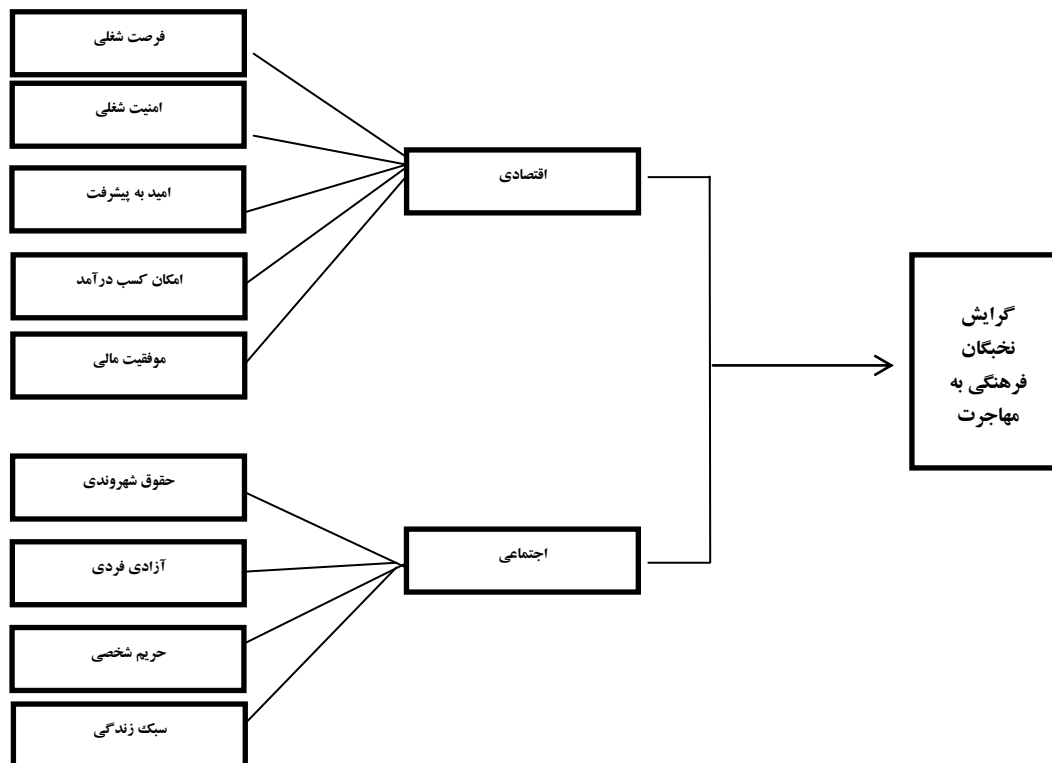
یکی از مهم ترین نظریاتی که پدیده مهاجرت را به خوبی تبیین کرده است، نظریه جاذبه و دافعه اورت لی می باشد. بر اساس این نظریه افراد مهاجر غالباً تحت تأثیر عوامل جاذب نقاط مهاجر پذیر به عبارتی خاستگاه و عوامل دافع نقاط مهاجر فرست به عبارتی، کوچک‌گاه اقدام به مهاجرت می کنند و مجموعه‌ای از علل و عوامل محیطی اعم از درون مرزی و برون مرزی، منجر به روند رو به تغییر و گسترش و تداوم مهاجرت نیروهای متخصص کشور می شوند (مقدس و شرفی، ۱۳۸۸). اورت لی نظریه خود را با ارائه تعریف وسیعی در حوزه

مهاجرت تفسیر می‌کند به طوری که مهاجرت را تغییری دائمی یا تقریباً دائمی محل اقامت می‌داند و معتقد است عواملی در تصمیم‌گیری مهاجرین برای مهاجرت وجود دارد که می‌توان به عوامل مرتبط با کشور مبدأ مهاجرت و عوامل مرتبط با کشور میزبان یا مقصد مهاجرت اشاره کرد. اورت لی معتقد است هر یک از مناطق و کشورها دارای عوامل مثبت و منفی و خنثی هستند که مردم را از آن محل دور، جذب و یا بی‌تفاوت می‌کنند و اثر هریک از این عوامل بنا بر شخصیت و خصوصیات فردی شامل سن و تحصیلات و سطوح مهاجرت و ... متفاوت خواهد بود (اقبالی و امیری، ۱۳۸۷: ۷۸). به نظر لی عواملی وجود دارد که اکثر مردم نسبت به آن‌ها واکنش یکسانی دارند، نظیر دستمزد بالا، فرصت‌های شغلی بیش‌تر، تسهیلات رفاهی بهتر. با بهره‌گیری از این نظریه عوامل مؤثر رانشی و کششی را می‌توان تبیین کرد به طوری که عوامل رانشی شامل شرایط نامطلوب اقتصادی و تحولات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی و کم‌توجهی به امور پژوهش و رقابت‌پذیری در سطوح پائین و عدم انطباق سطح استانداردهای زندگی با معیارهای جهانی، بحران اشتغال و پائین بودن سطوح دستمزدها در مقایسه با کشورهای توسعه‌یافته، رشد جمعیت کشور، ضعف سیستم آموزشی در دانشگاه‌ها، پائین بودن سطح تکنولوژی، عدم برنامه‌ریزی در جذب نخبگان، کاهش شأن و منزلت اجتماعی و وضعیت اجتماعی زنان می‌باشد و عوامل کششی به شرح، امید به آینده بهتر، امکانات صنعتی کشورهای توسعه‌یافته، دسترسی به فرصت‌های آموزشی بهتر، درآمد بالاتر فعالیت‌های پژوهشی، جذابیت زندگی مدرن، دسترسی آسان به فرصت‌های شغلی، میل به ثبات سیاسی و اجتماعی، کاهش فاصله اطلاعاتی و جهانی شدن، می‌باشد. به نظر می‌رسد نظریه جاذبه و دافعه قابلیت بیش‌تری در تحلیل مهاجرت نخبگان دارد.

در جمع‌بندی کلی می‌توان گفت، پدیده مهاجرت همواره مورد توجه بسیاری از نظریه‌پردازان بوده است. این پدیده با توجه به ابعاد مختلفی که داشته از رویکردهای متفاوتی به آن نگریسته شده است. برخی از رویکردها همگرا و برخی از رویکردها واگرا بوده‌اند. از طرفی تعدادی از رویکردها در سطوح مختلف این پدیده را بررسی کرده‌اند. به‌عنوان مثال برخی از رویکردها، شرایط جامعه مبدأ را بررسی کرده‌اند و از طرف برخی از نظریه‌ها معطوف به شرایط جامعه مقصد بوده است. والرش‌تاین پدیده مهاجرت را در سطح بین‌المللی بررسی کرده و معتقد است فرآیند جهانی شدن و افزایش تعاملات منجر به مهاجرت اقتصادی مهاجران از بخش‌های کم‌توسعه به مناطق پر رونق شده است. جانسون از منظر رویکرد ملی‌گرا به پدیده مهاجرت نگریسته است. اورت اس لی مهاجرت را در چارچوب جاذبه و دافعه جامعه مبدأ و مقصد بررسی کرده است. وی معتقد است مجموعه‌ای از محیط درون مرزی و برون مرزی به عنوان عوامل رانشی و کششی منجر به گسترش و تداوم نیروهای متخصص از کشورهای مبدأ به مقصد می‌شود. در این تحقیق تلاش شده است جهت انسجام بخشیدن به متغیرها و مؤلفه‌های تحقیق، ابعاد مختلف را در یک چارچوب مشخص ترکیب کند. لذا گرایش

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

نخبگان به مهاجرت در ابعاد اقتصادی و اجتماعی دیده شده است. این چارچوب با ترکیب علل و عواملی که در مبانی نظری ارائه شده را در مدل ذیل آرایه کرده است.



شکل (۱): مدل نظری تحقیق

بر اساس مدل نظری تحقیق فرضیات اساسی استنتاج شده است. فرض اساسی این پژوهش این است که مهاجرت نخبگان فرهنگی تابعی از شرایط اقتصادی و اجتماعی جامعه می‌باشد.

روش

روش پژوهش حاضر از نوع کمی بوده است. در این روش وجه قالب، به صورت پیمایش اجتماعی است. طرح کلی این روش با تأکید بر طرح همبستگی بوده است. در این روش، وضع موجود بررسی می‌شود و به توصیف منظم و نظام‌دار وضعیت فعلی آن می‌پردازد و ویژگی‌ها و صفات آن را، مطالعه و ارتباط بین متغیرها را

بررسی می‌کند. شیوه نمونه‌گیری به صورت تصادفی از مراکز علمی آموزشی شامل دانشگاه‌های دولتی و آزاد شهر تهران شامل دانشکده‌ها در رشته‌های مختلف بوده است. حجم نمونه ۴۰۵ نفر بوده است. متغیرهای گرایش نخبگان به مهاجرت و نیز عوامل اقتصادی و اجتماعی در قالب پرسشنامه حاوی طیف و گویه‌ها سنجیده شده است. این پرسشنامه توسط اساتید دانشگاه‌ها و دانشجویان دوره دکتری و مدرسین دانشگاه مقطع کارشناسی ارشد تکمیل گردیده است. به منظور بررسی پایایی مفاهیم و شاخص‌های مورد نظر از آزمون ضریب آلفا کرونباخ استفاده شده است. دامنه این ضریب از صفر تا یک می‌باشد و حد قابل قبول ۷۰ درصد است. تمامی مفاهیم از ۷۰ درصد به بالا می‌باشد و مقیاس‌سازی این مفاهیم مورد قبول است. هم‌چنین اعتبار پرسشنامه از نوع صوری بوده که مورد تأیید صاحب‌نظران و متخصصین قرار گرفته است.

یافته‌ها

یافته‌های توصیفی؛ از مجموع ۴۰۵ نفر پاسخگو، به لحاظ ترکیب جنسی، ۶۰ درصد مردان و ۴۰ درصد زنان می‌باشند. به لحاظ ترکیب سنی، ۱۸ درصد زیر ۳۰ سال، ۲۹ درصد ۳۱ تا ۴۰ و ۲۹ درصد ۴۱ تا ۵۰ سال و ۲۴ درصد ۵۱ سال بیش‌تر بوده است کم‌ترین سن ۲۷ و بیش‌ترین سن ۶۳ سال و میانگین ۴۳ سال بوده است. از نظر سابقه کار، ۶۷ درصد ۱ تا ۱۰ سال، ۲۰ درصد ۱۱ تا ۲۰ سال و ۱۱ درصد ۲۱ تا ۳۰ سال سابقه کار داشته‌اند. کم‌ترین سابقه کار یک سال و بیش‌ترین آن ۳۰ سال و میانگین آن ۱۰ سال می‌باشد. هم‌چنین ترکیب وضعیت تأهل نشان می‌دهد؛ ۲۲ درصد مجرد و ۷۸ درصد متأهل می‌باشند. به لحاظ ترکیب درآمدی، ۳۶ درصد زیر ۳ میلیون تومان، ۵۵ درصد ۳ تا ۵ میلیون و ۹ درصد ۵ میلیون و بیش‌تر درآمد داشته‌اند. حداقل درآمد ۲ میلیون و بیش‌ترین درآمد ۶/۵ میلیون و میانگین ۳/۸ میلیون تومان بوده است و در این میان ۸۲ درصد از میزان درآمد ناراضی و ۱۸ درصد از میزان درآمد رضایت داشته‌اند.

شاخص کل گرایش نخبگان به مهاجرت از مجموع نمرات متغیر از دغدغه فکری مهاجرت و تمایل آنان به مهاجرت تشکیل شده است. این شاخص نشان می‌دهد گرایش نخبگان فرهنگی نسبت به مهاجرت ۱۳ درصد کم، ۲۹ درصد متوسط و ۵۶ درصد در حد زیاد بوده است.

جدول (۱): توزیع فراوانی شاخص کل گرایش نخبگان فرهنگی نسبت به مهاجرت

شاخص کل گرایش	خیل کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد	بی پاسخ	جمع
فراوانی	۹	۴۵	۱۱۷	۱۸۹	۳۶	۹	۴۰۵
درصد	۲	۱۱	۲۹	۴۷	۹	۲	۱۰۰

عوامل اقتصادی و اجتماعی مهاجرت نخبگان؛ شاخص‌های گویه‌های عوامل اقتصادی و اجتماعی

از ۹ گویه تشکیل شده است که در ذیل هر کدام از ابعاد توصیف و بیان شده است.

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

بعد اقتصادی؛ این بعد از ۵ گویه تشکیل شده است. نگرش نخبگان به گویه اول «تا چه اندازه فرصت‌های شغلی برای تحصیل کرده در جامعه وجود دارد؟»، پاسخگویان ۶۶ درصد کم، ۲۴ درصد متوسط و ۱۰ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. در مورد گویه دوم «تا چه اندازه تحصیل کرده احساس امنیت شغلی در جامعه ما دارند»، پاسخگویان ۶۶ درصد کم، ۲۰ درصد متوسط و ۱۲ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. در مورد گویه سوم «به نظر شما تا چه اندازه افراد امید به پیشرفت در زندگی دارند»، پاسخگویان ۷۱ درصد کم، ۱۶ درصد متوسط و ۱۳ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. در مورد گویه چهارم «تا چه اندازه امکان کسب درآمد در جامعه وجود دارد»، پاسخگویان ۷۹ درصد کم، ۲۲ درصد متوسط و ۹ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. در مورد گویه پنجم «تا چه اندازه امکان موفقیت مالی با کار و تلاش در جامعه وجود دارد»، پاسخگویان ۶۹ درصد کم، ۱۸ درصد متوسط و ۱۳ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. میانگین‌های گویه‌های بعد اقتصادی حاکی از آن است که تمامی گویه‌ها کم‌تر از ۳ شده است. به عبارتی شرایط جامعه از منظر اقتصادی بد ارزیابی شده است.

بعد اجتماعی؛ این بعد از ۴ گویه تشکیل شده است. نگرش نخبگان به گویه اول «چه اندازه به حقوق شهروندان در جامعه ما احترام گذاشته می‌شود». پاسخگویان ۶۷ درصد کم، ۲۴ درصد متوسط و ۹ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. در مورد گویه دوم «تا چه اندازه آزادی‌های فردی در جامعه وجود دارد». «پاسخگویان ۶۹ درصد کم، ۲۲ درصد متوسط و ۹ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. نگرش نخبگان فرهنگی به گویه «تا چه اندازه حریم شخصی در جامعه ما رعایت می‌شود»، «پاسخگویان ۷۴ درصد کم، ۱۵ درصد متوسط و ۱۱ درصد زیاد عنوان کرده‌اند. سایر موارد نیز در جدول ارائه شده است. میانگین‌های گویه‌های بعد اجتماعی حاکی از آن است که تمامی گویه‌ها کم‌تر از ۳ شده است. به عبارتی شرایط جامعه مبدأ از منظر اجتماعی بد ارزیابی شده است.

جدول (۲): عوامل اقتصادی و اجتماعی مهاجرت نخبگان

ابعاد	عوامل اقتصادی و اجتماعی	بسیار کم (۱)	کم (۲)	متوسط (۳)	زیاد (۴)	بسیار زیاد (۵)
اقتصادی	تا چه اندازه فرصت‌های شغلی برای تحصیل کرده‌ها در جامعه وجود دارد؟	۲۲	۴۴	۲۴	۷	۳
	تا چه اندازه تحصیل کرده احساس امنیت شغلی در جامعه ما دارند؟	۲۴	۴۴	۲۰	۹	۳
	به نظر شما تا چه اندازه افراد امید به پیشرفت در زندگی دارند؟	۲۲	۴۹	۱۶	۱۱	۲
	تا چه اندازه امکان کسب درآمد در جامعه وجود دارد؟	۱۸	۵۱	۲۲	۴	۵
	تا چه اندازه امکان موفقیت مالی با کار و تلاش در جامعه وجود دارد؟	۲۲	۴۷	۱۸	۱۱	۲
اجتماعی	تا چه اندازه به حقوق شهروندان در جامعه ما احترام گذاشته می‌شود؟	۲۹	۳۸	۲۴	۷	۲
	تا چه اندازه آزادی‌های فردی در جامعه وجود دارد؟	۱۶	۵۳	۲۲	۷	۲
	تا چه اندازه حریم شخصی در جامعه ما رعایت می‌شود؟	۱۶	۵۸	۱۵	۹	۲
	تا چه اندازه افراد در شیوه زندگی آزادی و اختیار دارند؟	۴	۴۹	۳۱	۷	۹

تغییرات اجتماعی - فرهنگی، سال هجدهم، شماره شصت و هشتم، بهار ۱۴۰۰

جدول ذیل شاخص‌های مرکزی و پراکندگی متغیر وابسته را نشان می‌دهد. شاخص کل نشان می‌دهد ارزیابی نخبگان از وضعیت اقتصادی و اجتماعی جامعه در سطح پایین و نامطلوبی قرار دارد.

جدول (۳): شاخص مرکزی و پراکندگی گرایش به مهاجرت و عوامل اقتصادی و اجتماعی آن

ابعاد	حجم نمونه	تعداد گویه	حداقل	حداکثر	میانگین	میانه	نما	انحراف معیار
عوامل اقتصادی	۴۰۵	۵	۱	۵	۲/۳	۲	۲	۰/۹
عوامل اجتماعی	۴۰۵	۴	۱	۵	۲/۶	۲/۳	۲/۷	۰/۸

یافته‌های تبیینی؛ در این بخش به آزمون فرضیه‌های تحقیق بر اساس مدل نظری تحقیق می‌پردازیم. هر چقدر نخبگان فرهنگی وضعیت اقتصادی جامعه را بد ارزیابی کرده‌اند گرایش به مهاجرت بیش‌تر شده است. میزان همبستگی ($r = -0/28$) و جهت رابطه معکوس است. هم‌چنین هر چقدر نخبگان فرهنگی وضعیت اجتماعی جامعه را بد ارزیابی کرده‌اند، گرایش به مهاجرت بیش‌تر شده است. میزان همبستگی ($r = -0/40$) و جهت رابطه معکوس است و میزان رابطه در حد متوسط قرار دارد و به لحاظ آماری معنادار است.

جدول (۴): رابطه گرایش به مهاجرت و عوامل اقتصادی و اجتماعی

ابعاد چهار گانه مبدأ	همبستگی	سطح معناداری
وضعیت اقتصادی (E)	- ۰/۲۸	۰/۰۰۰
وضعیت اجتماعی (S)	- ۰/۴۰	۰/۰۰۰

رگرسیون چند متغیره (تبیین متغیر وابسته)؛ در این قسمت به تبیین متغیر وابسته گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت می‌پردازیم و سهم و مشارکت نسبی متغیرها بر متغیر وابسته بررسی می‌شود. بدین منظور با استفاده از رگرسیون چند متغیره خطی تلاش می‌شود تأثیر هر کدام از عوامل تعیین‌گردد. جدول ذیل نشان می‌دهد بیش‌ترین تأثیر گرایش نخبگان به مهاجرت به ترتیب شرایط اجتماعی جامعه ($B = -0/59$) و سپس شرایط اقتصادی جامعه ($B = -0/22$) می‌باشد که متغیر فوق به لحاظ آماری معنی‌داری می‌باشد. هم‌چنین ضریب تعیین چند گانه نشان می‌دهد ۱۷ درصد علل مهاجرت نخبگان به ترکیب متغیرهای اجتماعی و اقتصادی جامعه بر می‌گردد.

جدول (۵): مشارکت نسبی (رگرسیون چند متغیره) متغیرهای مستقل تحقیق در متغیر وابسته

ضرایب رگرسیون و سطح معناداری		گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت	
عوامل اجتماعی	عوامل اقتصادی	ضریب B (بتا)	ضریب B (بتا)
عروض از مبدأ	۴/۴	- ۰/۵۹	- ۰/۱۳
ضریب همبستگی چند گانه	۰/۴۲	- ۰/۲۲	- ۰/۱۳
ضریب تعیین چند گانه	۰/۱۷	-	-
آزمون F	۴۱/۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

بحث و نتیجه گیری

این پژوهش تلاش کرده است به دو سوال محوری پاسخ دهد. اول اینکه گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته چقدر است و در مرحله دوم عوامل اقتصادی و اجتماعی مؤثر چه می‌باشد. بر اساس مبانی نظری و چارچوب نظری تحقیق، گرایش نخبگان به مهاجرت در دو بعد اقتصادی و اجتماعی دیده شده است. در پاسخ به سؤال اول، به طور کلی گرایش نخبگان به مهاجرت به کشورهای توسعه یافته ۵۶ درصد در حد زیاد، ۲۹ درصد متوسط و ۱۳ درصد در حد کم بوده است. در پاسخ به سوال دوم، عوامل اقتصادی و اجتماعی در گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت چقدر مؤثر بوده است، بر اساس چارچوب نظری فرضیات تحقیق گرایش نخبگان به مهاجرت با ابعاد اقتصادی و اجتماعی همبستگی دارند و جهت این همبستگی معکوس و به لحاظ آماری معنادار است. به عبارتی هر چقدر نخبگان فرهنگی شرایط اقتصادی و اجتماعی را بد و پایین ارزیابی کرده‌اند، تمایل آنان به مهاجرت بیش تر شده است. ضریب تعیین چند گانه نیز نشان می‌دهد ۱۷ درصد از علل مهاجرت به ترکیب این ابعاد دو عامل بر می‌گردد.

به طور کلی جوامع نخبگان مهاجر، می‌توانند نقش مهمی در توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور مبدأ داشته باشند. جوامع نخبه مهاجر می‌توانند منبع ایده‌ها، دانش‌ها، و مهارت‌ها و سرمایه‌های اجتماعی باشند. ارتباطات و شبکه‌هایی که جوامع نخبگان مهاجر در جامعه‌ی در حال توسعه دارد، می‌تواند به عنوان کانال تقویت جامعه مبدأ عمل نماید.

این تحقیق نشان می‌دهد گرایش نخبگان فرهنگی به مهاجرت همواره متأثر از زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی جامعه است. نخبگان به عنوان نیروی انسانی متخصص نقش مهمی را می‌توانند در فرآیند بهبود و توسعه یک کشور ایفا کنند. همان طور که در مباحث نظری طرح شده، نظریه جاذبه و دافعه می‌تواند در اغلب اوقات چارچوب مناسبی برای تبیین و فهم علت مهاجرت به ویژه در میان نخبگان و تحصیل کرده‌گان را فراهم کند. یافته‌های این تحقیق نشان داده است، هنگامی شرایط جامعه مبدأ در بعد اقتصادی و اجتماعی از سوی نخبگان فرهنگی مطلوب ارزیابی نشود، گرایش و تمایل نخبگان به مهاجرت بیش تر است. امید به آینده و پیشرفت و هم‌چنین امنیت اقتصادی در کنار حقوق شهروندی و احساس آزادی یکی از مؤلفه‌های بسیار بنیادین هر جامعه برای تداوم و بقاء خود می‌باشد.

منابع

- اقبالی، ن و امیری، آ. (۱۳۸۷). فصلنامه تخصصی جامعه‌شناسی. سال سوم شماره ۴، دانشگاه آزاد اسلامی آشتیان.

- لهستانی‌زاده، عبدالعلی. (۱۳۶۸). نظریات مهاجرت. نوید شیراز، کتابخانه‌های سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- ارشاد، فرهنگ. (۱۳۸۶). مبانی نظری فرار مغزها بر حسب شکل‌های مختلف آن در شرایط کنونی. نامه انجمن جامعه مهندسی ایران ۵.
- صالحی‌عمران، ابراهیم. (۱۳۸۵). بررسی نگرش اعضای هیئت علمی نسبت به علل مهاجرت نخبگان به خارج از کشور، مطالعه در دانشگاه مازندران.
- مدرسی، یحیی. (۱۳۹۳). زبان و مهاجرت. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- فرتوک‌زاده، حمیدرضا و اشراقی، حسین. (۱۳۸۷). مدل‌سازی دینامیکی، پدیده مهاجرت نخبگان. فصلنامه پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، شماره ۴.
- جعفری‌معطر، فریدون. (۱۳۸۷). مهاجرت نخبگان، انتشارات مؤسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی، چاپ اول: تهران: انتشارات کویر.
- مقدس، علی‌اصغر؛ شرفی، زکیه. (۱۳۸۸). بررسی عوامل برانگیزنده گرایش به مهاجرت‌های بین‌المللی جوانان ۱۸-۳۰ ساله شهرهای شیراز و ارسنجان. مجله جامعه‌شناسی ایران. شماره ۱۰.
- طایفی، علی. (۱۳۷۸). فرار مغزها یا شکار مغزها. مجموعه مقالات سمینار بررسی مسائل، مشکلات و چشم‌انداز اشتغال دانش‌آموختگان آموزش عالی در ایران، تهران: جهاد دانشگاهی.
- حاتمی، علی؛ جهانگیری، جهانگیر؛ فتاحی، سجاد. (۱۳۹۱). بررسی عوامل مرتبط با گرایش دختران تحصیل‌کرده به مهاجرت به خارج از کشور؛ زن و جامعه. سال سوم. شماره دوم.
- طالبی‌زیدی، عباس‌علی و رضایی، جمشید. (۱۳۸۹). بررسی علل مهاجرت نخبگان دانشگاهی از مازندران طی سال‌های ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۰. فصلنامه مدیریت، سال ششم، شماره ۱۶.
- عسگری، حشمت‌الله؛ تقوی، مهدی؛ عسگری، منوچهر؛ شاکری، عباس. (۱۳۸۷). بررسی علل فرار مغزها از کشورهای در حال توسعه به کشورهای OECD در قالب مدل جاذبه. فصلنامه اقتصاد مقداری (بررسی‌های اقتصادی سابق)، دوره پنجم، شماره ۲.
- کاظمی‌پور، عبدالمحمد؛ آسایش، امید؛ صدیقی، بهرنگ. (۱۳۹۸). سودای مهاجرت - میل به مهاجرت و تصور ذهنی از غرب در تجربه دانشجویان مهاجران ایرانی. مطالعات فرهنگی و ارتباطات، زمستان ۱۳۹۸، شماره ۵۷.

تأثیر مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی بر گرایش نخبگان فرهنگی در مهاجرت به کشورهای توسعه یافته

- Todaro, Michael P. (1969). A Model of Labor Migration and Urban Unemployment in Less Developed Countries. *American Economic Review*, 59 (1969), pp. 138-148.
- Bourhis, Richard Y. & L & others. (1997). Towards and Interactive Acculturation Model: A Social Psychological Approach, *International Journal of Psychology*, Vol. 32, No. 6, pp. 369-386.
- Oudenhoven, John Pieter Van., Colleen, Ward., & Masgoret, Anne- Marie. (2006). Patterns of Relations Between Immigrants and Host Societies, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 30, pp. 637-651.
- Bang, James. & Mitra, Aniruddha. (2011). Brain Drain Institutions of Governence: Educational Attainment of Immigrants to the US 1988-1998. *Economic Systems*. Vol. 35. NO. 3. PP. 335-354.
- Benedict, O. H. & Ukpere, W .I. (2012). Brain Drain and Development: Any Possible Gain from the Drain?. *African Journal of Business Management*. VOL. 6. No. &. PP. 2421-2428.
- Ngoma , A. L. & Ismail,. N. W. (2013). The Determinants of Brain Drain in Developing countries. *International Journal of Social Economics*. VOL. 40 . Iss: 8 . PP. 744 – 754.
- Panahi, R. (2012). Factors Affecting Brain Drain from Iran. *Journal of Basic and Applied Science scientific Research*. VOL .2. NO. 3. PP. 3003- 3015.
- Payk, .(2001). Iran ranks first in brain drain among LDC” , 26 Dec 2001.
- Lahsae Zadeh, A. (1989). Statements on immigration, Shiraz University (In Persian).
- De Hass, H. (2010). Migration transitions: A theoretical and empirical in quiry into the developmental drivers of international migration.
- Leskroof . G. (1969). Hunt and escape of brains. *sokhan Journal*, (in Persian)
- Lee, E. & M. Moon. (2013). Korean Nursing student’s Intention to Migrate Abroad. *Nurse Education Today*, In press.
- Mc Ausland , C. & P. Kuhn. (2010). Bidding for Brains : Intellectual Property Rights and the International Migration of Knowledge workers. *IZA Discussion Papers*. No. 4936.
- Ribeiro , J. S; C. Conceicao; J. Pereira; C. Leone; P. Mendonca; M. Temido; C. P. Vieira & G. Dussault. (2013). Health Professional Moving to and from Portugal. *Health Policy* , In Press.
- Thio, Alex. (2013). *Deviant Behavior*, Boston: Pearson.